

حرکتهای اخیر در جامعه‌شناسی ادبیات

وندی گریس ولد* / نازنین میرزاییگی**

«جامعه‌شناسی ادبیات» درباره‌آن بحث می‌کردیم، من به جد تأکید کردم که جامعه‌شناسی ادبیات در حقیقت رشته‌ی دانشگاهی نیست. با توجه به مأموریت ما، این موضع‌گیری درستی نبود. چیزی که دقیقاً من باید می‌گفتم این بود که جامعه‌شناسی ادبیات بیشتر شبیه میدان گُل است تا میدان رزم. این نوع جامعه‌شناسی دعویهای نظری‌گیرا، بینشهای درخشان اما منزوی و حوزه‌های غنی از یافته‌های تحقیق تولید کرده بود اما در حول و حوش بحثها و سؤالهای کلیدی که یک رشته‌ی درست و مناسب باید داشته باشد سازماندهی نشده بودند. اکنون دوباره من خودم را بازیافتم، مانند کسی که در یک دنیای واقعیت مجازی به دام افتاده

چکیده: جامعه‌شناسی پژوهش ادبی، بر اساس اثر اولیه در تولید فرهنگ، در زیبایی‌شناسی پذیرش^۱ و سرمایه فرهنگی در خلال چند سال گذشته بر ساختار معنی^۲ خوانندگان و بر شبکه‌های درون نظامهای ادبی تمرکز کرده است.

جهتهای جدید شامل موارد زیر هستند: مطالعه روابط بین ادبیات و هویت‌های گروهی؛ ارتباط دادن تحلیلهای نهادی و خواننده - پاسخ^۳؛ معرفی مجدد نقش نیت نویسنده؛ و ایجاد یک درک روشنی از اینکه چگونه ادبیات به دیگر رسانه‌ها شبیه است و چگونه شبیه نیست.

کلیدواژه: ادبیات، فرهنگ، مطالعه، نویسندگان نظام ادبی

* بخش جامعه‌شناسی، دانشگاه شیکاگو، شیکاگو - ایلینویز.
** دانشجوی دوره کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه شهیدبهشتی.

مقدمه

چندین سال پیش وقتی پریسیلا^۱ (کلارک) فرگوسن، فیلیپ دسان^۲ و من ضمن ویرایش یک شماره ویژه از کاوش انتقادی (کریستیکال اینکوایری) برای

1. reception aesthetics
2. construction of meaning
3. reader- response
4. Priscilla Ferguson
5. Philippe Desan

می‌شود، مخصوصاً گونه‌هایی که توسط مصرف‌کنندگان فرهنگی درک می‌شوند و به کار می‌روند، باید به عنوان طبقه‌بندی مبتنی بر شعایر و مناسک درک شود که حاصل مشخصه‌های ساختاری رسمی - اجتماعی است. بنابراین، یک نظام اجتماعی که دارای میزان زیادی از گونه‌گونی پایگاه اجتماعی^{۱۳} و ساختارهای پیچیده نقش است به ایجاد درجات بالایی از تمایزهای عام^{۱۴} متمایل خواهد بود؛ اما در یک چنین حوزه‌ای از گونه‌گونی شدید پایگاه اجتماعی و ساختارهای پیچیده نقش، مرزهای طبقه‌بندی‌های مبتنی بر شعایر در میان گونه‌ها متمایل به ضعیف شدن دارد (دانشجویان پسامدرنسم خاطر نشان می‌سازند که این عموماً خصوصیات فرهنگ معاصر است). با در نظر گرفتن «نظامهای فرهنگی به عنوان تمامیتها»^{۱۵} دیماجیو فرآیندهای تولید را نیز وارد می‌سازد. فرآیند طبقه‌بندی‌های مبتنی بر شعایر به تقاضای مصرف‌کنندگان پاسخ می‌دهد - مصرف‌کنندگان سرمایه‌های فرهنگی محاوره‌ای^{۱۶} را تقاضا می‌کنند که با آن بتوانند اهداف اجتماعی خود را دنبال کنند. این فرآیندها را مشخصه‌های نظامهای تولید (تجاری، حرفه‌ای و اداری) که از طریق آنها هنر تولید و توزیع می‌شود میانجی می‌شوند. دوبوا و دوراند (۱۹۸۹) با تفکری مشابه، پیشنهاد می‌کنند که به جای جستجوی روابط بین طبقات اجتماعی و ادبیات، بهتر است که بر حسب «طبقات متنی»^{۱۷} فکر کنیم: گونه‌های طبقه‌بندی شده هم از نظر داخلی و هم در میان یکدیگر بر طبق «طبقه‌بندی‌های واقعی، فرضی، یا ساخته شده از خوانندگان

است، مجبور بودم مشخصه‌های این نارشته را توصیف کنم. برای انجام این کار من باید استعاره‌ها را از جغرافیا به زیست‌شناختی تغییر می‌دادم. جامعه‌شناسی ادبیات مانند یک آمیب است: با اینکه یک ساختار مستحکم ندارد، اما با وجود این در امتداد راستاهای مشخصی جریان می‌یابد. در این مقاله من تلاش می‌کنم این جریان را در دهه گذشته شرح دهم و به برخی از گرایشهای آتی اشاره کنم.

موضوع اصلی

مطالعات فرهنگی در طول دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد. این پیشرفتها عبارت‌اند از راه‌یابی^۱ نظریه مارکسیسم به درک دیالکتیکی تر روابط بین زیربنا و روبنا (ویلیامز، ۱۹۸۰)، یک باز مفهوم‌سازی^۲ از فرهنگ رایج که مدل فرهنگ توده‌ای بی‌اعتبار را به نفع یک مدل دیگر کنار می‌گذارد؛ این مدل دوم نمایندگی وسیعتری^۳ را از کاربران و استفاده‌کنندگان^۴ نمادهای فرهنگی در نظر می‌گیرد (هال و دیگران، ۱۹۸۰؛ هبدیج^۱، ۱۹۷۹)؛ یک شرح پیچیده از کاربردهای سرمایه فرهنگی برای تولید یا تقویت سرمایه اقتصادی (بردیو^۱، ۱۹۸۴ و دیماجیو^۲، ۱۹۸۲)، و اثبات این نکته که محصولات فرهنگی حاصل عوامل زیر هستند: (۱) عملیات جمعی (بکر، ۱۹۸۲)، (۲) نظامهای تشکیلاتی موجود در بازارها و زیرانواع مختلف کنترل‌های دولتی (هرش، ۱۹۷۲؛ پیتسون، ۱۹۷۶).

در طول دهه گذشته استحکام و بسط این دستاوردها با بینشهای بردیو در این باره که موقعیت اجتماعی چگونه در زمینه فرهنگی و با سلاح فرهنگی می‌جنگند ترکیب شده است. این ترکیب عمیقاً جامعه‌شناسی ادبیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال دیماجیو (۱۹۸۷) استدلال می‌کند که سیستم طبقه‌بندی هنری که در یک نظام اجتماعی یافت

6. opening into 7. reconceptualization
8. greater agency 9. manipulator
10. Hebdige 11. Bourdieu
12. DiMaggio 13. status diversity
14. generic differentiation
15. totality 16. conversational culture
17. textual class

تعامل داشت؛ این تدوین نظری جدید توانایی مفهوم‌سازی را به خود مردم می‌دهد. جایی که نظریه‌پردازان فرهنگ توده و استدلال‌های سلطه^{۲۱}، گیرندگان محصولات فرهنگی تولید انبوه را بخت‌برگشتگان در نظر می‌گیرند، صداهای جدیدتری به مخالفت برمی‌خیزند و بر این باورند که مردم از هر چه که در دسترس دارند مفهوم‌سازی می‌کنند. به علاوه این معناها اغلب روابط قدرت ارائه شده در محتوای هدف فرهنگی را تحریف می‌کنند. این دیدگاه از لحاظ سیاسی جالب بود زیرا گونه‌های قبلاً تحقیر شده^{۲۲} یعنی داستانهای رومانس^{۲۳} (مادلسکی^{۲۴}، ۱۹۸۲)، نمایش‌های بازی تلویزیونی (فیسک^{۲۵}، ۱۹۸۹)، نمادهای طبقه متوسط^{۲۶} و دیگر نمادهای قدرت^{۲۷} طبقه کارگر (گاتدینر^{۲۸}، ۱۹۸۵) را که توسط گروه‌های فاقد امتیاز اجتماعی و سرمایه فرهنگی مصرف می‌شوند تکریم کرده و در آنها منابع یک نوع مقاومت حيله‌گرانه^{۲۹} یافته است.

مطالعات فمینیستی خوانندگان زن و گونه‌های زن، این فرهنگ عامه جدید و زیبایی‌شناسی پذیرش را به صورت مؤثری به هم نزدیک ساخت. برای مثال، خوانندگان زن داستانهای عاشقانه کلیشه‌ای، که قبلاً فرهیختگان^{۳۰} آنها را ظرف‌های منفعلی در نظر می‌گرفتند که فرهنگ عامه تکراری‌ترین یاوه‌های خود را در داخل آنها می‌ریخت، اکنون به صورت فعالان فرهنگی‌ای بازسازی شدند که تصمیم‌گیری می‌کنند و بر حقوق خود اصرار می‌ورزند، از جمله حق داشتن

متفاوت». گونه‌های در حال دوئل جایگزین افراد در حال مبارزه^{۱۸} در یک میدان جنگ می‌شود، با رابطه‌ی بین یک طبقه‌متنی و ۱) نهادهای ادبی، یا ۲) ساختارهای اجتماعی - اقتصادی عمومی که باید از لحاظ تجربی مورد تحقیق قرار گیرند.

توجه کنید که هر دوی این مثالها با مصرف‌کننده تولیدات فرهنگی، (مخصوصاً در مورد ادبیات، خواننده) شروع می‌شوند. بنابراین آنها رابطه‌ای را که اخیراً بین نظریه‌های سرمایه فرهنگی و انتقاد خواننده - پاسخ رسم شده است ارائه می‌دهند.

خواننده در مقام قهرمان

مهمترین مسیر جدیدی که آثار در جامعه‌شناسی ادبیات در دهه گذشته انتخاب کرده‌اند بازمفهوم‌سازی خوانندگان به عنوان عاملان خلاق، به جای گیرندگان منفعل آنچه نویسندگان ارائه می‌کنند، است. جامعه‌شناسان «اصول زیبایی‌شناسی پذیرش» اروپایی را به عنوان راهی برای درک ساختار معنی ادبی پذیرفته‌اند. طرفداران اصول زیبایی‌شناسی پذیرش استدلال می‌کنند که خواننده هرگز با یک متن به عنوان یک لوح خالی برخورد نمی‌کند بلکه آن را در مقابل چیزی قرار می‌دهد که جانوس^{۱۹} (۱۹۸۲) آن را «افق انتظارات» می‌نامد. در حالی که مفهوم جانوس از این افق عمدتاً ادبی است، دانشمندان اجتماعی به راحتی آن را برای انتظارات و ادراکات متفاوتی به کار می‌برند که طبقات یا گروه‌های مختلف خوانندگان از یک متن دارند. نویسندگان برای هدایت فرآیندی که «هر متنی یک «خواننده ضمنی» دارد» تلاش خواهند کرد (ایسر^{۲۰}، ۱۹۷۴) اما نمی‌توانند آن را کنترل کنند.

زیبایی‌شناسی پذیرش در تبدیل دستور جلسه یا برنامه پژوهش در جامعه‌شناسی ادبیات موفق شد، تا حدودی به این دلیل که با تدوین نظری دیگری که در میان دانشجویان با فرهنگ عام در حال رخ دادن بود

18. struggling people

19. Jauss

21. hegemony arguments

23. romance

25. Fiske

27. assertiveness

29. wily resistance

20. Iser

22. despised

24. Modleski

26. low riders

28. Gottdiener

30. academics

لانگ^{۳۹} (زیرچاپ) که درباره گروههای خواننده طبقه متوسط در هوستون مطالعه کرده است، به این نتیجه می‌رسد که این خوانندگان به صورت جمعی یک مجموعه معیار زیبایی‌شناختی می‌سازند و سپس آنها را برای ارزشیابی ادبی به کار می‌برند. این معیارها در واقع تحت تأثیر روندهای نظریه ادبی قرار نمی‌گیرند؛ برای مثال، خوانندگان گروهی، داستانهای «واقع‌گرایانه» با شخصیت‌های «قابل قبولی» را می‌خواهند که بتوانند با آنها احساس یکدلی کنند. به علاوه، آنها به راحتی گونه‌های^{۴۰} خود را بر اساس چیزهایی می‌سازند که در ادبیات معاصر می‌بینند، داستانهای مبتنی بر «درد و رنج زنان» یک گروه یک مثال به یادماندنی در این زمینه است. منتقد ادبی به طعنه می‌گوید «چقدر عجیب است» اما نگهبان اصلی^{۴۱} در حرفه تولید ادبی، به عنوان مثال، ویراستاران باشگاه کتاب ماه^{۴۲} (رادوی، ۱۹۸۹) تلاش می‌کنند که فرایندهای ساختارهای محلی معنا و ارزش را درک کنند.

چون انتقاد خواننده - پاسخ شامل استنباطهایی درباره معنی است، قرار دادن آن جزء وظایف جامعه‌شناسی با خطر ذهنی‌گرایی که عموماً قابل قبول نیست مواجه می‌شود. در حالی که حد فاصل بین جامعه‌شناسی و روانشناسی در بیشتر این نوع مطالعات به طور صریح روشن نیست، در عمل، جامعه‌شناسان مقداری روانشناسی مطالعه را پذیرفته‌اند. بر اساس این دیدگاه وقتی ادبیات می‌خوانیم، متن یک مجموعه تداعی

زمان کافی برای رسیدن به شکل مطلوب آرامش^{۳۱} خود (رادوی^{۳۲}، ۱۹۸۴). این طور به نظر می‌رسد که خود رومانسها حاوی پیامهای پیش - فمینیستی هستند که انتقام‌گیری با هروین از مرد ستمگر (مادلسکی، ۱۹۸۲)، مرد حامی (رادوی، ۱۹۸۴)، وزن آفریقایی موفق و مستقل (گریس ولد^{۳۳}، ۱۹۸۹) از جمله این پیامهاست. دووالت^{۳۴} (۱۹۹۰) در یک مطالعه بازتابی^{۳۵} برای بیان فضیلت محفل تعبیر (هرمنوتیک) از یک اثر تخیلی بسیار پیچیده برای نشان دادن این که چگونه تعبیر جمعی و منشأ اثر است استفاده می‌کند. مخصوصاً تعبیرات داستان نادین گوردیمر^{۳۶} به وسیله منتقدان اولیه، محققان و به وسیله خود دووالت.

البته نه تنها جنسیت، بلکه همچنین طبقه، منزلت - شغلی، ملیت و تجربه زندگی چگونگی خواننده خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تعدادی از جامعه‌شناسان ماهیت این تأثیر را بررسی کرده‌اند. هووارد و آلن (۱۹۹۰)، در تلاش برای توضیح اینکه چگونه مردان و زنان در تعبیرشان از دو داستان کوتاه متفاوت‌اند، متوجه شدند که تجربه زندگی کوچکترین^{۳۷} تفاوت جنسی را تحت شعاع قرار می‌دهد؛ برای مثال، خوانندگانی که مسن تر بودند، یا ازدواج کرده بودند و والدین بازتابهای دلسوزانه تری نسبت به جوانان، خوانندگان مجرد، بدون در نظر گرفتن جنس آنها، در مورد شخصیت‌های پیچیده داشتند. تا آنجا که جنسیت در پاسخ خواننده تأثیر ندارد، این ممکن است به این دلیل باشد که دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها همچنان آن دسته از کتابهای کودکان را می‌خوانند که آقایان به آنها معرفی می‌کنند.

گراور هولز و پسکوسولیدو^{۳۸} (۱۹۸۹) نشان داده‌اند که چگونه به طور مداوم و هماهنگ کلیشه‌سازی جنسی، خواننده جوان را به افق پدرسالانه انتظارات ادبی رهنمون می‌شود.

31. relaxation

32. Radway

33. Griswold

34. Devault

35. reflexive

36. Nadine Gordimer

37. modest

38. Grauerholz and Pescosolido

39. Long

40. gener

41. gatekeeper

42. Book-of-the-Month club

محافظه‌کاری را مطالعه کرده است که وضعیت اجتماعی - اقتصادی آنها مشابه طبقه متوسطی بود که در آن زندگی می‌کردند، با وجود این اعمال آنها، که مبتنی بر دستورات کتاب مقدس بود، خیلی با طبقه متوسط فرق داشت. این تفاوتها از دیدگاه سنتی رویکرد «تحت‌اللفظی»^{۴۳} در مقابل متضاد آن نسبت به کتاب مقدس توصیف شده‌اند؛ شاید استفاده از کاربرد قرارداد زیبایی‌شناختی در مقابل قرارداد واقعیت^{۴۴} مفیدتر باشد. در این صورت سؤال این است که، آیا «پیروان کتاب مقدس» قراردادهای واقعیت و تک ظرفیتی^{۴۵} را برای دیگر شکل‌های ادبیات هم به کار می‌برند؟ اگر نه، چه نوع محرک^{۴۶} نهادی‌ای تعیین‌کننده قراردادهای لازم خواهد بود؟ مدل اشمیت همگرایی رویکرد روانشناختی (یا سطح خرد مطالعه^{۴۷} که با انتقاد پاسخ خواننده سازگارترین است) را با سطح کلان - نهادی تحلیل مجاز می‌داند.

درگیری فعالیت‌های خرد با ساختارهای کلان سیستم‌های اجتماعی، مانند نهادهای توزیع قدرت، نه تنها بر معنی‌سازی، بلکه عموماً بر مشارکت ادبی نیز تأثیر می‌گذارد. راجرز (۱۹۹۱) با استفاده از رویکرد پدیدارشناختی^{۴۸} توجه به راه‌های گوناگونی که جهان ادبی (که در آن عبارات و ارتباطات خود به هدف تبدیل می‌شوند) با جهان روزمره نویسندگان و خوانندگان در تعامل است جلب می‌کند. برای مثال، او خاطر نشان می‌کند که چگونه هم نویسندگان و هم خوانندگان ادعا می‌کنند که انزوا (مثلاً *تاق کسی اثر وولف*^{۴۹}) برای تولید

ذهنی تولید می‌کند که گاهی آنها را «یادآوری» می‌نامیم و توسط آن محتوای ادبی را به تجربه زندگی خود ربط می‌دهیم (دولراب^{۴۳}، ۱۹۹۱؛ هالاز^{۴۴}، ۱۹۹۱). «برای هر فرد، ادراک یک فرایند متداعی و بنابراین مملو از حافظه است ... و به دو عامل بستگی دارد: مدت زمان توجه به جمله و چگونگی فعالسازی حافظه خود شنونده (نل^{۴۵}، ۱۹۸۸). این یادآوریها ممکن است، مانند لکه‌های رنگی رورشاخ، علامتهایی برای روانشناسی فرد باشد، اما آن الگوی مطالعاتی - اینکه چگونه گروه‌های معینی مایل به یافتن معنای معینی هستند و چرا - مورد علاقه جامعه‌شناسان است (گریس ولد^{۴۶}، ۱۹۸۶؛ ۱۹۸۷، لارسن^{۴۷} و دیگران، ۱۹۹۱).

اشمیت (۱۹۸۲، ۱۹۹۱) یک مدل نظری ارائه کرد که احتمالاً با شناخته شدن اثرش در میان خوانندگان انگلیسی زبان مؤثر خواهد افتاد. اشمیت بین متن و خواننده «ارتباط» فرض می‌کند که آن لحظه‌ای است که رمزگشایی صورت می‌گیرد و رمزگشایی بر حسب یک مجموعه قرارداد^{۴۸} انجام می‌شود.

قرارداد چند ظرفیتی این امکان را فراهم می‌کند که متن، به طور پی‌درپی یا همزمان به راه‌های مختلف رمزگشایی شود تا معنای مختلف داشته باشد؛ برعکس قرارداد تک ظرفیتی در جستجوی یک تک معنای درست است. همین‌طور، قرارداد زیبایی‌شناختی ابهام را مجاز می‌داند و به عنوان یک معیار نیازی به حقیقت ندارد، درست برعکس واقعیت که نیازمند حقیقت است. این مدل دقت بیشتری را در درک پاسخ خواننده مطرح می‌کند. برای مثال، خوانندگانی که مشخصه‌های جامعه‌شناختی یکسانی دارند، اما قراردادهای متفاوتی را برای مطالعه‌شان به کار می‌برند، ممکن است از متون یکسانی به پیامهای^{۴۹} متفاوتی برسند (دی زپتک^{۵۰}، ۱۹۹۲).

مطالعه متون مقدس این نکته را به وضوح نشان می‌دهد. آمرمن^{۵۱} (۱۹۸۷) زندگی مسیحیان

43. Dollerup

45. Nell

47. Larsen

49. Communicate

51. Ammerman

53. fact convention

55. trigger

56. The engagement of micropractice

57. phenomenological

58. Woolf's *A room of one's own*

44. Halasz

46. Griswold

48. convention

50. De Zeptnek

52. literal

54. monovalent convention

و منتقدان جلب کردند که هنرمندان خلاق را به مردم خود مرتبط یا آنها را از هم جدا می‌کردند. در حالی که این چنین رویکردهایی نسبت به فرهنگ روی هم رفته جدید نبود (وایت و وایت، ۱۹۶۵؛ اسکاریت^{۶۴}، ۱۹۷۱) نوشته‌ها و آثار دهه ۷۰ آن را اجتناب‌ناپذیر ساخت. بررسی و تحلیل تولید جمعی فرهنگ ممکن است در جهانهای هنر بکر^{۶۵} به اوج رسیده باشد (۱۹۸۲)، هر چند بکر بر تعامل عاملان انسانی بیشتر از رویکردهای صرفاً صنعتی تأکید می‌کند.

این رویکرد تولید فرهنگ، آن‌طور که در مورد ادبیات به کار رفته است، در طول دهه گذشته در چهار مسیر پیش‌رفته است. نخست، با مطالعات سنتی‌تر رابطه بین محتوای ادبی و جهانی که این محتوا از آن برخاسته است یکی شده است. برای مثال، مطالعه لانگ در مورد داستانهای پر فروش آمریکایی در طول ۳۰ سال بعد از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که طرز تلقی این داستانها از زندگی که حول و حوش حرفه‌ها در شرکتهای بزرگ سازمان‌یافته بود از یک تأیید پرشور به بازجویی و سین جیم، رد و انکار و در نهایت به پوچ‌گرایی انتقال یافته است. این ممکن است یک مجادله بازتابی مستقیم باشد، اما لانگ که خود در انتشارات کار کرده است یک تحلیل تولید فرهنگ را به خاطر غنی‌سازی به بحث خود اضافه می‌کند. او خاطر نشان می‌سازد که در اوایل دوران بعد از جنگ، انتشاراتیها متوجه شدند که بازار برای ادبیات داستانی یک بازار طبقه متوسط و عام است. تا پایان دهه ۱۹۵۰ و به صورت روزافزون در طول

و پذیرش ادبیات ضروری است. دستیابی به اینچنین انزوایی در متن فعالیت‌های روزمره زندگی - کنار گذاشتن جهان روزمره به خاطر جهان ادبی - برای زنان بالغ نسبت به مردان خیلی دشوارتر است (زنان درگیر کارهای خانه و مراقبت از کودکان هستند، در حالی که مردها می‌توانند به طور مشروع خواستار انزوا و جدایی از کارهای خانه بشوند؛ در مورد پسر بچه‌ها و دختر بچه‌ها این مسئله برعکس است و دخترها راحت‌تر می‌توانند به انزوا برسند) نقشهای جنسی به دختران اجازه می‌دهد که منفعل و ساکت باشند، در حالی که پسران تشویق می‌شوند که در فعالیت‌های سخت‌تر درگیر شوند). در نتیجه و به رغم این حقیقت که مطالعه در دوران جوانی در واقع یک پیش شرط لازم برای شکل‌گیری نویسنده است، تحقیق راجرز حاکی از این است که در حالی که زنان بالغ به عنوان خواننده بسیار خوب هستند، اما به عنوان نویسنده نسبتاً کم مطرح می‌شوند، در حالی که این مسئله در مورد مردان درست برعکس است.

شبکه‌های تولید و اندیشه

تحول دیگر دهه گذشته پیشرفتی در بررسی این نکته بوده است که چگونه اعضای یک نظام ادبی، در جایگاه تولید یا مصرف، خود را سازمان می‌دهند. در دهه ۱۹۷۰ مطالعه جامعه‌شناختی فرهنگ در اثر پایه‌ریزی رویکرد تولید فرهنگ^{۵۹} به طور دائم متحول شد؛ این رویکرد بر ضرورت‌های بازاریابی و سازمانی تأکید می‌کرد که هر فرهنگی را یک موضوع^{۶۰} در نظر می‌گرفت. با در نظر گرفتن «صنعت فرهنگ» نه به مفهوم مکتب فرانکفورت، به عنوان تولیدکننده مسلط^{۶۱} غذای روح توده‌ها بلکه به عنوان واقعیتی از زندگی فرهنگی در جوامع پیچیده، جامعه‌شناسانی مانند پیترسون و هرش^{۶۲} توجه خود را به کانالها و مجراها، به موانع و فیلترها، به انسانهای متوسط و نگهبانان و مرزداران^{۶۳}، عمده‌فروشان و خرده‌فروشان و رسانه‌ها

59. production-of-culture

60. subject

61. hegemonic producer of pabulum

62. Hirsch

63. boundary spanner

64. scarpit

65. Becker's *Art worlds*

آن‌ها نسبت به طرد و ترویج است. هم تفکر فمینیست و هم توجه ساخت شکن^{۶۶} به مصنوعیت «شریعت»^{۶۷} نظرها را به گزینشی بودن ناشران و نگهبانان رسانه‌های گروهی جلب کرد. تاچمن (۱۹۸۶) طی مطالعات خود نشان داد که چگونه نویسندگان زن دوره ویکتوریا^{۶۸} موقعیت نویسندگی غالب خود را به وسیله حداقل یکی از ناشران قرن ۱۹ از دست دادند و چگونه مردان به این نتیجه رسیدند که نوشته‌های ادبی می‌توانند سودآور باشند. او یک مطالعه موردی بسیار جالب از این تهاجم و طرد را مطرح می‌کند [رجوع کنید به راجرز ۱۹۹۱، مخصوصاً فصل ۹، برای نشان دادن نمونه ترویج، در این مورد ترویج دریدا^{۶۹} به وسیله (و در میان) منتقدان ادبی آمریکایی، همچنین نگاه کنید به لامونت، ۱۹۸۷]. گراور هولز و پسکوسولیدو (۱۹۸۹) نشان می‌دهند که چگونه ادبیات و همین‌طور بافت اجتماعی مطالب منتشر شده، مخصوصاً معرفی زنان در کتابهای کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در اوایل قرن ۲۰، یک گرایش عمومی برای «گروهها» در قلب کتابهای کودکان وجود داشت [جادوگر/روز^{۷۰}، هر چند نویسندگان آن را ذکر نکرده‌اند، و اثرهای بعد از آن یک نمونه بارز از این گرایش هستند]؛ قهرمانان^{۷۱} دسته‌جمعی داستانها عموماً هم شامل مردان بودند و هم زنان. تا دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ گروهها عقب‌نشینی کرده بودند و داستانهای قهرمانی یا قومی، که نوعاً قهرمان مرد را مطرح می‌کردند، رایج شدند. بنابراین، برخلاف انتظارات نویسندگان، کتابهای کودکان که در اوایل قرن نوشته

دهه‌های بعدی، تلویزیون به عنوان وسیله سرگرمی توده مردم جایگزین مطالعه شد؛ مطالعه داستانها و رمانها بیشتر برای سرگرمی افراد تحصیل کرده (استادان دانشگاهها و افراد حرفه‌ای) بود که دیدگاه بدبینانه‌تری نسبت به شرکتهای سرمایه‌داری در مقایسه با سازمانهای خود داشتند. ناشران برای رضایت خاطر این خوانندگان تلاش می‌کردند. بنابراین تغییر در کتابهای پرفروش ممکن است همانقدر پاسخ به تغییرات در بازار باشد که واکنش در برابر آفت فراگیر در باور و اعتقادات آمریکاییها.

یک «برنامه قوی» از ترکیب بازتاب اجتماعی و رویکردهای تولید-فرهنگ بر اثر اخیر در جامعه-شناسی فرهنگی منطبق است که بنا بر آن در طول زمانهای شورش اجتماعی تولید ایدئولوژیکی به وسیله خودآگاهی نوآوران فرهنگی^{۷۲} افزایش خواهد یافت (سویدلر^{۷۳}، ۱۹۸۶؛ ووثنوا^{۷۴}، ۱۹۸۷).

کایزر و دراس (کایزر، ۱۹۸۳؛ کایزر و دراس، ۱۹۸۷؛ دراس و کایزر، ۱۹۸۸) نشان دادند که انتشار داستانهای آرمانی در طول بحرانهای اقتصادی در ساختار و سیستم جهان افزایش می‌یابد. نمونه بارز این گفته انتشار داستانهای آرمانی در اواخر قرن نوزدهم است که مشهورترین آنها «نگاه به عقب» (لوکینگ بک وارد) بلامی^{۷۵} است. کایزر (۱۹۸۳) این فوران انتشار داستان را به گذار و انتقال از بازار آزاد به سرمایه‌داری انحصاری نسبت می‌دهد. بلامی و دیگر نویسندگان آرمان‌گرا صرفاً تغییرات اقتصادی را به صورت انفعالی بازتاب نمی‌دادند؛ آنها خود جزءقشر متوسط بودند، یعنی قشری که بیشتر فرهنگی بود تا اقتصادی و بیشتر تحت تأثیر این تحولات قرار می‌گرفت و به همین دلیل برای خواننده‌ای می‌نوشتند که بیشتر نگران سلب مالکیت بود.

نوع دوم تعمیم تولید-فرهنگ به سمت واریسی نهادهای انتشاراتی و سایر نهادها بر حسب توانایی

66. self aware cultural innovators

67. Swidler

68. Wuthnow

69. Bellamy

70. deconstructionist

71. canon

72. Victorian writers

73. Derrida

74. *The Wizard of Oz*

75. protagonists

گرفتن محتوا بر کمیت صرف تأکید گذاشت. سانسور خیلی محسوس نبود؛ تأکید عمدتاً بر اجرای «نمایش تئاتر بود» تا «نوشتن نمایشنامه» و بنابراین هر چه تعداد اجراها بیشتر بود، به نظر آنها، بهتر بود. برزین این را با خط‌مشی‌های استبدادی آشکارتر مربوط به تئاتر در آلمان نازی و اتحاد جماهیر شوروی دوره استالین مقابله می‌کند و اظهار می‌دارد که این آخری، یعنی شوروی دوره استالین، ایدئولوژی آشکارتری داشت - ایدئولوژی فاشیست بین عقلانیت دیوان سالارانه و انقلاب‌گرایی رومانتیک گیر کرده بود - بنابراین بهتر می‌توانست ویژگی‌های محتوا را کنترل و تعریف کند.

سوم، کلارک (۱۹۸۷) خاطر نشان کرده است که نهادهای ادبی، یا سیستم‌های تولید و توزیع وابسته به مکتب تولید-فرهنگ، باید از فرهنگ تمیز داده شوند. هر فرهنگ ادبی «مجموعه‌ای... از نهادها، ایدئولوژی‌ها، نمادها و کدهای متقابلاً همبسته^{۸۱} هستند» که از طریق گستره وسیعی از فعالیتها و رسم‌های اجتماعی وضع می‌شوند و بین ادبیات و جامعه واسطه قرار می‌گیرند. هر فرهنگ ادبی خاص محصول یک اوضاع و احوال جغرافیایی و تاریخی خاص است. در مورد فرانسه، میزان زیادی از تمرکز اجتماعی - فرهنگی و سیاسی همراه با حافظه تاریخی حمایت اشرافیت که نویسندگان بازاری - فرسوده^{۸۲} از آن سود می‌برند، یک فرهنگ ادبی تولید کرده است که با شأن و افتخار عمومی^{۸۳} نویسندگان شناخته می‌شود؛ این فرهنگ ادبی در هر چیزی، از نامگذاری خیابانها به نام نویسندگان گرفته تا تبلیغات مربوط به

شدند از لحاظ جنس نسبت به کتابهای تألیف شده در اواسط قرن در واقع بیشتر مساوات طلب بودند. البته نه اینکه به کلی برابر طلب باشند. در طول یک قرن، نسبت شخصیت‌های اصلی مرد به زن در کتابهای کودکان ۳ به ۱ بود. گرایش اخیر به سوی برابری بیشتر دو جنس با ویژگی‌های خشن جنس مذکر شخصیت‌های داستانهای حیوانات در کتابهای کودکان، که ظاهراً در حال افزایش است، خنثی شد؛ در طول قرن نسبت شخصیت‌های مذکر حیوانات به شخصیت‌های مؤنث با نسبت حیرت‌آور ۶ به ۱ از نظر تعداد پیشی گرفت.

البته، ناشران تنها نگهبانان نیستند؛ اعضای هیئت‌دولت و قوانین، از طرق تشویق حمایتی یا چماق سانسور، تحریم و هدایت را نیز انجام می‌دهند (دوبین^{۷۶}، ۱۹۹۲، بی‌سل^{۷۷}، ۱۹۹۰). در حالی که این مسئله مشهود است، همیشه ساده و سراسر نیست. برزین^{۷۸} (۱۹۹۱)، برای مثال، «پرسش سگی که پارس نکرد»^{۷۹} را مطرح می‌کند: چرا تئاتر فاشیست ایتالیا نمایش‌هایی با محتوای صریح فاشیستی اجرا نکرد؟ هر چند موسولینی بر نقش تئاتر به عنوان سلاح ایدئولوژیکی تأکید داشت، در واقع بیشتر نمایش‌هایی که در طول دوره ۱۹۲۲-۱۹۴۰ اجرا شد غیرسیاسی، داستانهای عاشقانه و دیگر سرگرمی‌های سبک بودند. برزین استدلال می‌کند که دولت‌ها می‌توانند محتوای محصولات فرهنگی و یا تولید آن را کنترل کنند. اگر هر رژیمی این هر دو را کنترل کند در واقع یک رژیم دیکتاتوری است: اگر هیچ کدام را کنترل نکنند، کثرت گراست؛ اگر فقط محتوا را کنترل کند، حمایت‌گر فرهنگی است؛ اگر فقط محصولات را کنترل کند، پدرسالار است. دولت پدرسالار، خط‌مشی فرهنگی را در ایتالیای فاشیست مشخص کرد. فاشیست‌ها یک بوروکراسی سازمان یافته^{۸۰} را تشکیل دادند که نویسندگان را به حاشیه راند و با کمابیش نادیده

76. Dubin

77. Beisel

78. Berezin

79. «a dog that didn't bark»

۸۰ یک دستگاه عریض و طویل که باید تعداد بسیار زیادی از دیپلمه‌ها یا کارگران فکری را استخدام می‌کرد.

81. mutually sustaining

82. market - weary

83. public honor

کسب و کار نشر بازی می‌کنند تأکید دارند، و پاول (۱۹۸۵) با مطالعه عمیق انتشارات دانشگاهی مسئله را دنبال می‌کند. داستان علمی تخیلی نظام ادبی متفاوتی نسبت به انتشارات دانشگاهی تشکیل می‌دهد (آیا واقعاً چنین است؟) اما، بین بریج^{۹۱}، (۱۹۸۶) ثابت می‌کند که جهان طرفدار داستان علمی - تخیلی هم ساخت مند است و هم مملو از ارتباطات.

تفکر شبکه‌ای نقشه‌برداری از خود فرهنگ ادبی است. آنهایر و گردهاردز^{۹۳} بر اساس تحقیقی در مورد نویسندگان در شهر آلمان [غربی سابق] تکنیکهای خوشه‌بندی را برای توضیح تعدادی از مشخصه‌های فرهنگ ادبی آلمان به کار بردند. در یک تحلیل (۱۹۹۱) آنها نویسندگانی را که خود قبول داشتند تحت تأثیر دیگر نویسندگان بوده‌اند با نویسندگانی که چنین تأثیری را انکار می‌کردند مقایسه کردند. آنچه هارولد بلوم، منتقد ادبی، «اضطراب نفوذ»^{۹۴} نامیده است در مقام انکار اظهار شده است، اما نویسندگان مضطرب نویسندگان جوانتر و با تحصیلات کمتر هستند که در حاشیه نظام ادبی قرار دارند؛ نویسندگان جا افتاده‌تر به راحتی موضوع را می‌پذیرفتند و جایگاه اثر خود را نسبت به سایر نویسندگان مشخص می‌ساختند. مقاله دوم از این تحقیق برای استدلال در این باره که اسطوره‌های^{۹۵} مربوط به نویسندگان شباهت بسیار نزدیکی به ساختار اجتماعی نظام ادبی دارند از مدلسازی کلی^{۹۶} استفاده می‌کنند (آنهایر، ۱۹۹۱). در مرکز نظام یک نخبه در ذات خود هست اما نه تنها برای خود^{۹۷} «یک

مقایسه بین رضایت حاصل از برنده شدن جایزه ادبی یا پوشیدن زیرپوشی با مارک مخصوص، دیده می‌شود. در یک چنین فرهنگی «نویسنده عمومی» شکوفا می‌شود؛ این نویسندگان قهرمانان روشنفکری مانند ویکتور هوگو یا سارتر هستند که وجهه اجتماعی - ادبی و سیاسی‌شان با هم یکی شده است. رهبران سیاسی و مردم عامه نقش نویسندگان عمومی را ارج می‌نهند حتی اگر آنها کتابهای این نویسندگان را مطالعه نکرده و با سیاست آنها موافق نباشند. کلارک می‌گوید که چگونه رئیس جمهور دوگل، هنگامی که درخواست سیاسی سارتر را رد می‌کند، با وجود آن خیلی محترمانه او را به عنوان «آقای عزیز»^{۹۸} مورد خطاب قرار می‌دهد. چنین فرهنگ ادبی دیگری است که «مترادف نزدیکی از ادبیات، اخلاقیات و سیاست» را می‌پذیرد (لینک^{۹۵}، ۱۹۸۳؛ همچنین نگاه کنید به لینک، ۱۹۸۴؛ لینک و دیگران، ۱۹۸۹) و به همین دلیل دولت برای کنترل نویسندگان خود از طریق «علائم» گوناگونی که سیاستهای صحیح جاری^{۹۶} را نشان می‌دهند در عذاب است. اهمیت نسبی عامه مردم در چین هیچ ژست «آقای عزیز» را ضروری نمی‌سازد. بر عکس، نویسندگان در بیشتر ایالت‌های آفریقا از آزادی زیادی برخوردارند، نه به خاطر اینکه یک فرهنگ ادبی قوی حامی آنهاست، بلکه به این دلیل که یک چنین فرهنگی وجود ندارد؛ آنچنان که نویسندگان نیجریه نخواهند گفت «ژنرالها نمی‌خوانند» (آموتا^{۹۷}، ۱۹۸۶؛ گریس ولد^{۹۸}، ۱۹۹۲).

چهارم، قالبهای گوناگونی از تجزیه و تحلیل شبکه‌ای و تکنیکهای خوشه‌بندی برای نقشه‌برداری^{۹۹} از نظامهای محصولات و منابع ادبی به کار رفته است. در بیشتر مواقع، تجزیه تحلیل شبکه‌ای برای درک ناشران به عنوان نخبانان و خوانندگان در مقام پردازشگران^{۱۰۰} اطلاعات لازم و ضروری بوده است. کاسر^{۱۰۱} و دیگران (۱۹۸۲) بر نقشی که شبکه‌ها در

84. Cher Maiter

85. Link

87. Amuta

89. map

91. Coser

93. Anheier and Gerhards

95. myths

96. block modeling

97. ... is an elite in itself- but not for itself

86. Currently correct lines

88. Griswold

90. processor

92. Bainbridge

94. anxiety of influence

است، سرعت تغییر آهسته تر بوده و مکاتب جدید (به عنوان مثال «رمان جدید»^{۱۰۴} فرانسوی یا نویسندگان مارکیست) آنچنان که انتظار می رفت اثرگذار نبوده اند. هر چند روزنگرن مشخصاً مدرنیزم را با پست مدرنیزم مقایسه نمی کند، داده هایش حاکی از آن است که دومی ممکن است نسبت به اولی تغییرات فرهنگی چندانی را باعث نشود.

مثال دوم: در حالی که چارچوب مرجع ادبی از دهه ۱۹۶۰ دمکراتیک تر شده است و به نویسندگان عامه در کنار مؤلفان جدی و حتی کلاسیک ارجاع داده می شود، از لحاظ جنسیت مساوات لازم حاصل نشده است. به نظر می رسد یک خرده نظام^{۱۰۵} ظهور کرده است که در آن منتقدان زن کتابهای تألیف زنان با احتمال زیاد به دیگر مؤلفان زن ارجاع می دهند، اما منتقدان زن یا مرد کتابهای تألیف مردان تعداد ارجاعهای خود به مؤلفان زن را، حداقل تا پایان اواسط دهه ۷۰، افزایش نداده اند. در واقع، داده های روزنگرن حاکی از آن است که جداسازی^{۱۰۶} ادبی در تعدادی از رشته ها^{۱۰۷} به فراتر از نویسندگان زن رخ می دهد. او نشان می دهد که نظام ادبی به یک نظام ۳ قسمتی تجزیه می شود، به جای تمایز عمومی / عالی^{۱۰۸} قدیم، داده های او حاکی از آن است که یک سطح ادبی عالی، یک سطح عامه پسند و یک سطح عمومی داستان گونه^{۱۰۹} که به شدت تحت تأثیر دیگر شکلهای فرهنگ عامه، مخصوصاً موسیقی است، وجود دارد.

حرکتهای تازه

بازنگری اثر جدید در هر رشته (یا نارشته)^{۱۱۰} به طور

گروه نیست، بلکه مجموعه ای از افراد است که تمایل به اشتغال موقعیتهای ساختاری منحصر به فرد دارند. این نخبه^{۹۸} «بی شکل» توسط نویسندگان نانخبه ای^{۹۹} قابل مشاهده و درک است که خود گروههای منسجم تری تشکیل می دهند، اما نخبه بی شکل نه رابطه منسجمی با آنها دارد و نه از لحاظ ساختاری به آنها شبیه است. این ترکیب نخبه بی شکل و گروههای حاشیه ای متناظر است با اسطوره های نویسنده (نخبه) به عنوان نابغه تنها و نویسنده (نانخبه) در مقام شاعر فقیر یا نابغه کشف نشده.

کاربرد تجزیه - تحلیل شبکه ای در قلمرو شناخت، که شامل چارچوب مرجع ادبی به کار رفته توسط نویسندگان کتاب در جریان غالب مطبوعات است، در اثر روزنگرن^{۱۱۰} در مورد «جو»^{۱۱۱} ادبیات در سوئد یافت می شود (۱۹۸۳). روزنگرن، با استفاده از «ارجاع»^{۱۱۲} منتقد به نویسنده ای غیر از مؤلف کتاب تحت بررسی به عنوان واحد تحلیل خود، و با به کار بردن اثر قبلی خود در باب نظام ادبی سوئد در اواخر قرن نوزدهم به عنوان وجه تشبیه با دهه های بعد از جنگ، تلاش می کند میان دو مورد زیر فرق بگذارد؛ یکی الگوهای بلندمدت و احیاناً ثابت^{۱۱۳} (برای مثال، تمایل منتقدان به ارجاع به نویسندگانی که کمی قدیمتر از خودند و انتخاب نامها از میان ذخایر اسامی کم عمق و نوظهور به عوض ذخایر عمیق و کامل مراجع ادبی موجود) و دیگری روندهای کوتاه عمر، که برخی به قدری کوتاه عمرند که بیشتر به ابرهای زودگذر بهار می مانند تا یک جو پایدار.

یافته های او فوق العاده چشمگیر هستند. در اینجا به یکی دو مثال اشاره می کنیم. مثلاً می بینیم که تغییرات در چارچوب مرجع ادبی در دهه ۱۹۶۰ نسبت به دهه ۱۸۸۰ به صورت قابل توجهی کمتر چشمگیر بوده است؛ در حالی که حوزه ادبی در دوره اخیر وسیعتر و فراگیرتر بوده و بنابراین ارجاعات گوناگونتر و متنوعتر بوده

98. amorphous

100. Rosengren

102. mention

104. new novel

106. ghettoization

108. high/popular

110. non-field

99. non-elite

101. Climate

103. invariant

105. subsystem

107. areas

109. genre fiction

به وضع قراردادهایی کمک می‌کنند که از طریق آنها دیگر خوانندگان به متن نزدیک خواهند شد و معانی خود را از آن تشکیل خواهند داد. شاید جالب توجه باشد که بدانیم تعداد بسیار زیادی از خوانندگان آنچه مقامات فرهنگی باید بگویند را نادیده می‌گیرند (جانسن و لیمانز، ۱۹۸۸).

۳) جامعه‌شناسان باید روح فراموش‌شده، یعنی مؤلف را که به طاق نسیان سپرده شده است، از نو کشف کنند. این ممکن است نشانه‌ای از خامی یا ساده‌لوحی^{۱۲۲} نظری تلقی شود (که البته نشانی از شعور متعارف هم هست) و به ما یادآوری می‌کند که عامل انسانی خالق موضوع ادبی تحت بررسی است (گریس‌ولد، ۱۹۸۷). اگر موضوع ادبی «تجسم بخشیدن به معنای مشترک در قالب صورت» باشد، آنگاه عامل خلاق احتمالاً شخص دیگری غیر از نویسنده واقعی است (برای مثال، ویراستار یا هر کسی که این معنای مشترک را در قالب صورت می‌ریزد). بنابراین آنچه گفته شد هیچ دلیلی وجود ندارد که نویسندگان را، با اهداف، تجربیات، مشخصه‌های جامعه‌شناختی و آفقیهای درکشان نتوان همانند خوانندگان در نظر گرفت: به عنوان عاملانی که با متنها برهم کنش دارند، معانی را رمزگشایی می‌کنند (چیزی که ممکن است توسط هر گروه خاصی از خوانندگان رمزگشایی بشود یا نشود - ساختار شکنی، با تمام مشکلاتش^{۱۲۳}، با ایجاد طبیعت نامطمئن متنها یقیناً به ما فایده رسانده است).

۴) روابط بین ادبیات چاپی و دیگر شکل‌های فرهنگی و رسانه‌های جمعی، مخصوصاً در بافت

اجتناب‌ناپذیری شخص را به اندیشیدن دربارهٔ جهت‌های آینده ترغیب می‌کند و احتمالاً به سمت آن جهت‌ها رهنمون می‌شود. پیشرفتهای چندین سال گذشته، هم در جامعه‌شناسی ادبیات و هم در جهان اجتماعی، چهارمورد زیر را در دستور کار قرار می‌دهد.

۱) نزاع‌های قومی و ملی‌گرایی اخیر موجب شد که یک دید جدید در رابطه میان ادبیات و هویت^{۱۱۱} ایجاد شود. اینکه چگونه ساختارهای کلان سیاست‌های زبانی و تغییر و تحول رژیم، ضمن میانجیگری تولید ادبی و نهادهای آموزشی، با فرآیندهای خردمطالعه و ساختار معنی بر هم کنش می‌کنند نیاز به بررسی دارد. این بررسیها به ما کمک خواهند کرد تا نقشهای ادبیات را در فرآیند جاری ساختار هویت و حفظ و نگه‌داری^{۱۱۲} درک کنیم - فرآیندی که مردم تا پای جان خواهان آن هستند.

۲) ارتباطات باید بین روشهای تحلیل خواننده - پاسخ و نهادی برقرار شود. اثر گروه تیل برگ^{۱۱۳} در هلند در این جهت حرکت می‌کند. این محققان به طور جدی در اردوگاه^{۱۱۴} نهادی چیزهایی چون مجلات ادبی (دونوی^{۱۱۵}، ۱۹۹۱)، بازاریابی کتاب (ورداسدونک^{۱۱۶}، ۱۹۹۲) و منتقدان ادبی (جانسن، ۱۹۸۸؛ وان ریس^{۱۱۷}، ۱۹۸۹) را مطالعه می‌کنند. اما یک چنین نهادهایی ممکن است صرفاً به عنوان نگاهبانان شناخته نشوند بلکه به عنوان اثراتی برقراردادها^{۱۱۸} درک شوند که از طریق آنها، به کمک ساختار ارتباطات، درک مطالعه رخ می‌دهد. وان ریس (۱۹۸۹) هنگام انتقاد از مدل نقد ادبی که بنا بر آن منتقد یک اثر را وصف، تعبیر و ارزشیابی می‌کند به این مطلب اشاره دارد؛ خود توصیف، یا کاربرد مفاهیمی چون «شخصیت»^{۱۱۹} یا «توازن»^{۱۲۰}، هدف نیست بلکه مشروع‌سازی قراردادهای از طریق موقعیتهای اقتدار^{۱۲۱} فرهنگی موردنظر است. با وجود این، این توصیفها

111. identity

112. maintenance

114. Camp

116. Verdaasdonk

118. Conventions

120. balance

122. naivete

113. Tilburg

115. De Nooy

117. Van Rees

119. character

121. authority

123. for all it's sins

منابع

- Ammerman, N.T. (1987), *Bible Believers: Fundamentalists in the Modern World*. New Brunswick: Rutgers Univ. Press;
- Amuta, C. (1986), *Towards a Sociology of African Literature*. Oguta, Nigeria: Zim Pan-African Publ;
- Anheier, H. K., Gerhards. J. (1991a), The acknowledgement of literary influence: a structural analysis of a German literary network. *Sociol. Forum* 6: 137-55;
- _____ (1991b), Literary myths and social structure *Soc. Forces* 69:811-30;
- Bainbridge, W. S. (1986), *Dimensions of Science Fiction*. Cambridge, Mass: Harvard Univ. Press;
- Becker, H. C. (1982), *Art Worlds*. Berkeley: Univ. Calif. Press;
- Beisel, N. (1990), Class, culture, and campaigns against vice in three American cities, 1872-1892. *Am. Sociol. Rev.* 55:44-62;
- Berezin, M. (1991), The organization of political ideology: culture, state and theater in fascist Italy. *Am. Sociol. Rev.* 56: 639-51;
- Bourdieu, P. (1984), *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste* (transl. Richard Nice) Cambridge: Harvard Univ. Press;
- Clark, P. P. (1987), *Literary France: The Making of a Culture*. Berkeley: Univ. Calif. Press;
- Coser, L. A., Kadushin, C., Powell, W.W. (1982), *Books: the Culture and Commerce of Publishing*. New York: Basic Books;
- DeSan, P., Ferguson, P.P., Griswold, W., eds. (1987), *Literature and Social Practice*. Chicago: Univ. Chicago Press;
- DeNooy, W. (1991), The uses of literary classifications. See Ibsch et al 1991, PP. 213-21;
- DeVault, M. L. (1990), Novel readings: the social organization of interpretation. *Am.j. Sociol.* 95: 887-921;
- جهانی شدن فرهنگی، نیاز به نظریه پردازی و بررسی تجربی دارد. پژوهشگران به مطالعه جامعه شناختی ادبیات (و هنر) تمایل دارند که موضوعشان را به یک نخبه زاغه نشین^{۱۲۴} محدود سازند، شاید به این دلیل که از حل شدن آن در دیگر شکل‌های ارتباطات بیمناک‌اند. ظاهراً این یک نگرانی بی دلیل است. برای مثال، هم کار بر روی فرهنگهای ادبی و هم در مورد درک کاربرد قراردادها در مطالعه، دستکم تا حدودی، حاکی از آن است که مطالعه با پردازش اطلاعات یا سرگرمیهای منفعل متفاوت است. ما باید به سمت درک بهتر این تفاوتها حرکت کنیم.
- De Zepetnek, S. T. (1992), *The Canadian literatures as institution and system*. Presented at the 1992 IGEL (Empirical Studies in Literature) Conf., Memphis, Tennessee;
- DiMaggio, P. (1982), Cultural entrepreneurship in nineteenth-century Boston. *Media, Culture & Soc.* 4:33-50, 303-22;
- _____ (1987), Classification in art. *Am. Sociol. Rev.* 52:440-55;
- Dollerup, C. (1991), Associations in the reading process. See Ibsch et al, PP. 57-66;
- Drass, K. A., Kiser, E. (1988), Structural roots of visions of the future: world-system crisis and stability and the production of utopian literature in the United States, 1883-1975, *Int. Stud. Q.* 32:421-38;
- Dubin, S. C. (1992), *Arresting Images: Impolitic Art and Uncivil Actions*. New York: Routledge ;
- Dubois, J., Durand, P. (1989), Literary field and classes of texts. See Desan et al 1989, PP. 137-53;
- Escarpit, Robert (1971), *Sociology of Literature*. (transl. By Ernest Pick) London: Frank Cass. 2nd ed;
- Fiske, J. (1989), *Understanding Popular Culture*. Boston: Unwin Hyman;

- Gottdiener, M.** (1985), Hegemony and mass culture: a semiotic approach. *Am.J. Sociol.* 90: 979- 1001;
- Grauerholz, E., Pescosolido, B.A.** (1989), Gender representation in children's literature: 1900-1984, *Gender & Soc.* 3:113-25;
- Griswold, W.** (1986), *Renaissance Revivals: City Comedy and Revenge Tragedy in the London Theatre, 1576-1980.* Chicago: Univ. Chicago Press;
- _____ (1987a), A methodological framework for the sociology of culture. *Sociol methodol.* 17:1-35;
- _____ (1987b), The fabrication of meaning: literary interpretation in the United States, Great Britain, and the West Indies, *Am. J. Sociol.* 92: 1077-1117;
- _____ (1989), Formulaic fiction: the author as agent of elective affinity, *Compar, Soc, Res*, 11:75-130;
- _____ (1992), *The writing on the mud wall: Nigerian novels and the imaginary village.* Am, Sociol, Rev, 57: 709-24;
- Halasz, L** (1991), Effect and reminding in literary text processing. See Ibsch et al, PP. 79-85;
- Hall, S., Hobson, D., Lowe, A., Willis, P.** (1980), *Culture, Media, Language: Working Papers in Cultural Studies, 1972-1979,* London: Hutchinson, in assoc. with the Ctr. for Contemp, Cult, stud, Univ. Birmingham;
- Hebdige, R.** (1979), *Subculture: The Meaning of Style,* London: Methuen;
- Hirsch, P.M.** (1972), Processing, fads and fashions: an organization-set analysis of cultural industry systems. *Am. Sociol, Rev*, 77:639-59;
- Howard, J.A. Allen, C.** (1990), The gendered context of reading, *Gender & Soc.* 4:534-52;
- Ibsch, E., Schram, R., Steen, G.** (1991), *Empirical Studies of Literature: Proceedings of the Second IJEL Conference.* Amsterdam, 1989. Amsterdam: Rodopi;
- Iser, W.** (1974), *The Implied Reader: Patterns of Communication in Prose Fiction from Bunyan to Beckett.* Baltimore: Johns Hopkins Univ. Press;
- Janssen, S.** (1988), Institutional factors influencing the selection made by literary reviewers. *SPIEL: Siegener Periodicum Zur Int, Empirischen Literaturwissenschaft* 7:281-91;
- _____, **Leemans, H.** (1988), Differences in consumer behavior between buyers of literature, *Poetics* 17: 563-75;
- Jauss, H.R.** (1982), *Toward an Aesthetic of Reception.* (Trans, by Timothy Bahti) Minneapolis: Univ. Minn, Press;
- Kiser, E.** (1983), Utopian literature and the ideology of monopoly capitalism: the case of Edward Bellamy's *Looking Backward*, *Res, Polit, Sociol*, 1:1-26;
- _____, **Drass, K.A.** (1987), Changes in the core of the world-system and the production of utopian literature in Great Britain and the United States, 1883-1975, *Am, Sociol, Rev*, 52: 286-93;
- Lamont, M.** (1987), How to become a dominant French philosopher: the case of Jacques Derrida, *Am, J, Sociol*, 93: 584-622;
- Larsen, S.F. Laszlo, J., Seliman, U.** (1991), Across time and place: cultural-historical knowledge and personal experience in appreciation of literature. See Ibsch et al, PP. 97-103;
- Link, P., ed.** (1983), *Stubborn Weeds: Popular and Controversial Chinese Literature after the Cultural Revolution.* Bloomington: Indiana Univ. Press;
- _____ (1984), *Roses and Thorns: The second Blooming of the Hundred Flowers in Chinese Fiction 1979-80,* Berkeley: Univ. Calif. Press;
- _____, **Madsen, R., Pickowicz, P. G., eds.** (1989), *Unofficial China: Popular Culture and Thought in the People's Republic.* Boulder, Colo: Westview;

- Long, E.** (1985), *The American Dream and the Popular Novel*. London: Routledge & Kegan Paul;
- (1993), Textual interpretation as collective action, In *Reconceptualizing Audiences: New Challenges in Cultural Studies*, ed. J. Cruz, J. Lewis. Boulder, Colo: Westview;
- Modleski, T.** (1982), *Loving with a Vengeance: Mass-Produced Fantasies for Women*. New York: Methuen;
- Nell, V.** (1988), *Lost in a Book: The Psychology of Reading for Pleasure*. New Haven: Yale Univ. Press;
- Peterson, R.A., ed** (1976), *The Production of Culture, Beverly Hills, Calif: Sage*;
- Powell, Walter.** (1985), *Getting Into Print: The Decision-Making Process in Scholarly Publishing*. Chicago: Univ. Chicago Press;
- Radway, Janice A.** (1984), *Reading the Romance: Women, Patriarchy, and Popular Literature*, Chapel Hill: Univ. North Carolina Press;
- (1980), The Book-of-Month Club and the general reader: on the uses of 'serious' fiction. See Desan et al 1989, PP. 154 – 76;
- Rogers, M.F.** (1991), *Novels, Novelists, and Readers: Toward a Phenomenological Sociology of Literature*, Albany: State Univ. New York Press;
- Rosengren, K.E.** (1983), *The Climate of Literature: Sweden's Literary Frame of Reference, 1953-79*, Rep. No,5 of *Cultural Indicators: The Swedish Symbol System, 1945-1975*, Lund: Studentlitterature;
- Schmidt, S. J.** (1982). *Foundations of the Empirical Science of Literature*. Hamburg: Buske;
- (1991), Literary systems as self-organizing systems. See Ibsch et al, PP. 413-424;
- Swidler, A.** (1986), Culture in action: symbols and strategies. *Am, Sociol, Rev*, 51:273-86;
- Tuchman, G.** (1986), *Edging Women Out: Victorian Novelists, Publishers, and Social Change*. With Nina E. Fortin. New Haven: Yale Univ. Press;
- Van rees, C.J.** (1989), The institutional foundation of a critic's connoisseurship. *Poetics* 18:179-98;
- Verdaasdonk, H.** (1992), Shaping and modifying preferences of purchases of books. Presented at the 1992 IGEL (Empirical Studies in Literature) Conf. Memphis, Tennessee;
- White, H., White, C.** (1965), *canvases and Careers*. New York: Wiley;
- Williams, R.** (1980), Base and superstructure in Marxist cultural theory. In *Problems in materialism and Culture*, PP. 31- 49. London: Verso;
- Wuthnow, R.** (1987), *Meaning and Moral Order*. Berkeley: Univ, Calif. Press. ■